

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال سوّم (۱۳۹۲)، شماره نهم

تفسیر مجاهد، بررسی اصالت، سند، متن و بیان مبانی آن

نصرت نیل‌ساز^۱
نهلہ غروی نائینی^۲
الهام زرین‌کلاه^۳

چکیده

مجاهد بن جبر از مفسران مشهور قرن دوم است. غیر از روایات فراوانی که در تفاسیر روایی از وی نقل شده، نسخه‌ای مستقل و اصیل با عنوان «تفسیر مجاهد» وجود دارد که تنها تفسیر باقی مانده از عهد تابعین است که توسط «ابن ابی نجیح» از مجاهد روایت شده و از هیچ تفسیر دیگر خصوصاً «تفسیر طبری» رونویسی نشده است. از ۲۱۳۰ روایت موجود در آن، ۱۷۳۱ روایت به مجاهد و سایر روایات به افراد دیگر از جمله پیامبر (ص)، امام علی (ع)، ابن عباس، عطاء و... منتهی می‌شود که توسط آدم بن ابی ایاس به آن افزوده شده است. در سند مشهور این تفسیر «عبدالرحمن از ابراهیم از آدم از ورقاء از ابن ابی نجیح از مجاهد» روایت می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این تفسیر، تبیین واژگان و عبارات قرآن است. از جمله وجوهی که در این تفسیر به آن پرداخته شده، اسباب نزول، اختلاف قرائات، ناسخ و منسوخ، ذکر قصه و... است. نخستین شواهد وجوه و نظایر، مجاز و... در این تفسیر دیده می‌شود. این پژوهش، ضمن معرفی شخصیت مجاهد، به گونه‌شناسی تفسیر وی از منظر مباحث مختلف و نیز به بررسی دقیق اسناد آن خواهد پرداخت که در آثار دیگر کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، روایات، بررسی سند، بررسی متن.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس / nilsaz@modares. ac. ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس / naeeni_n@modares. ac. ir

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) / ezarinkolah@yahoo. com

مقدمه

ابوالحجاج مجاهد بن جبر از مشهورترین مفسران تابعین در قرن دوم، در سال ۲۱ قمری در زمان خلافت عمر بن خطاب در مکه به دنیا آمده است (ابن حجر، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۴۳). وی از موثق‌ترین شاگردان ابن عباس و از راویان امام علی (ع) محسوب می‌شود و روایات بسیاری در فضایل آن حضرت نقل کرده است (برای نمونه نک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۹، ۳۲۵/حسکانی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۰، ۵۶۳). مجاهد بنیان‌گذار اجتهاد در تفسیر قرآن است. بسیاری از رجالیون وی را ستوده (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۸/ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۱۹) و عدّه معدودی نیز، جرح کرده‌اند (باجی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۲۸). افزون بر روایات و آرای تفسیری فراوانی که در منابع شیعه و سنی از مجاهد نقل شده، تفسیری مستقل نیز به وی منسوب است. در واقع می‌توان گفت، از تفاسیری که تابعین نوشته‌اند، متن مستقلی جز تفسیر مجاهد باقی نمانده است (رومی، ۱۴۱۹، ص ۲۲) و تفسیر وی کهن‌ترین تفسیر روایی موجود است.

اهمیت بررسی این تفسیر، به عنوان کهن‌ترین تفسیر، زمانی آشکار می‌شود که بدانیم خاستگاه بسیاری از مباحث علوم قرآنی، کلامی و... تفاسیر کهن بوده است. مسأله اصالت و استقلال در مورد آثار و منابع کهن، از مباحث مهم است. بسیاری از تفاسیری که امروزه به نام صحابه و تابعین موجود است، در واقع، در دهه‌های اخیر، از روی جوامع تفسیری مانند تفسیر طبری و ثعلبی رونویسی شده است. در مورد تفسیر مجاهد که کهن‌ترین تفسیر روایی موجود است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تفسیر نیز برگرفته از تفسیر طبری است، یا اینکه نسخه‌ای مستقل و اصیل به شمار می‌رود؛ زیرا تلاش‌ها جهت بازسازی آثار صحابه و تابعین، باعث شده که برخی از خاورشناسان از جمله «ونزیرو» و «ریپین» این احتمال را مطرح کنند که تفاسیر مجاهد هم از این دست آثار است (Rippin, 1999, p. 21). به همین دلیل، بررسی اصالت این تفسیر و ارتباط آن با تفسیر طبری از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مقاله ضمن بررسی مسأله فوق، به بررسی متن و سند این تفسیر نیز می‌پردازد؛ اما قبل از آن، بیان پیشینه و معرفی اجمالی نسخه‌های خطی تفسیر مجاهد ضروری است.

۱- پیشینه بحث

در سال ۱۹۵۱، هیربرت هورست^۱ (Horst, Hirbert) در رساله دکتری خود در دانشگاه بن، ضمن بررسی روایات تفسیر طبری تا حدودی به تفسیر مجاهد به عنوان یکی از منابع طبری و ابزارهای تفسیری او پرداخت؛ اما کار او در جهت شناخت تفسیر مجاهد و روش تفسیری او، چندان جامع نیست. گئورگ اشتاوت^۲ (Georg, Stauth) در رساله دکتری خود با عنوان «روایات تفسیری مجاهد بن جبر» که به سال ۱۹۶۹ م در دانشگاه گیسن ارائه کرد، به بررسی روایات این تفسیر و نیز مقایسه آن با روایات تفسیری مجاهد در تفسیر طبری و نیز تفسیر منسوب به سفیان ثوری و تفسیر عبدالرزاق صنعانی پرداخت. احمد اسماعیل، استاد دانشکده شریعت در دانشگاه اردن، رساله دکتری خود را با عنوان «مجاهد، المفسر و التفسیر» در معرفی مجاهد، رتبه علمی، استادان و شاگردان وی و... قرار داده است. البته تا حدودی هم به روش تفسیری و مباحث علوم قرآنی در تفسیر مجاهد اشاره کرده که به صورت گسترده و جامع نیست (بابایی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰).

عبدالحسین شهیدی (۱۳۸۱، شماره ۱۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر مجاهد کهن‌ترین تفسیر» به طور مختصر به معرفی شخصیت مجاهد پرداخته و اشاره‌ای گذرا به شیوه تفسیری و نیز نسخه‌های تفسیر وی داشته است. همچنین، در کتاب‌های مختلفی که در زمینه تاریخ تفسیر و روش‌های تفسیری نگاشته شده، به اختصار از مجاهد و تفسیر او سخن رفته است. در این پژوهش، ضمن معرفی شخصیت مجاهد، به گونه‌شناسی تفسیر وی از منظر مباحث مختلف و نیز به بررسی اسناد آن خواهیم پرداخت که در آثار دیگران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲- نسخه‌های خطی تفسیر مجاهد

به طور کلی چند نسخه خطی از «تفسیر مجاهد بن جبر» موجود است:

۱. دو نسخه از این تفسیر نزد مفسر معروف شیخ محمد صالح برغانی (م. ۱۲۷۱ ق) بوده است که نسخه اول متعلق به قرن هشتم هجری است که در تفسیر «بحر العرفان» از آن یاد می‌کند. نسخه دوم که مورخ ۴۹۰ ق. است (شهیدی صالحی، ۱۳۷۶، ص ۴۲)، بسیار نفیس و

^۱. Horst, Hirbert, "Die Gewährsmänner im Korankommentar at-Tabari. Ein Beitrag zur Kenntnis der exegetischen Überlieferung im Islam. Ph. D dissertation, Rheinische Friedrich-Wilhelms-Universität zu Bonn", 1951.

^۲. Stauth, Georg, Die Überlieferung des Korankommentars Mugahid b. Gabrs. PhD. Thesis, Universität Giessen, 1969.

منحصر به فرد است و شیخ آن را بعد از سال (۱۲۶۶ ق) به دست آورده است. این نسخه بسیاری از تفاسیر آیات ولایت و فضایل امیرالمؤمنین (ع) و خاندان عصمت و طهارت (ع) را در بردارد. شیخ تمام آن را در تفسیر دیگرش «کنز العرفان» آورده است. نسخه دوم کامل‌تر از نسخه اول است. هردو نسخه از نسخه دارالکتب مصری جامع‌تر است و هم اکنون از مخطوطات کتابخانه شخصی نوه علامه برغانی، در کربلای مقدّس است و به چاپ نرسیده است (شهیدی صالحی، همانجا).

۲. نسخه خطی به شماره ۱۰۷۵ در دارالکتب قاهره که تاریخ کتابت آن، سال ۵۴۴ ق. می‌باشد و سزگین (۱۳۸۶، صص ۶۶-۶۷) از آن نام برده است. نسخه مذکور شامل هشت جلد دارای ۹۸ ورق می‌شود. جلد اول از سوره بقره تا آیه ۴۳ سوره نساء؛ جلد دوم از آیه ۴۶ سوره نساء تا سوره انفال؛ جلد سوم از سوره توبه تا آیه ۴۴ سوره بنی اسرائیل؛ جلد چهارم از آیه ۲۵ سوره بنی اسرائیل تا آیه ۲۵ سوره فرقان؛ جلد پنجم از آیه ۲۷ سوره فرقان تا پایان سوره یس؛ جلد ششم از سوره صافات تا پایان سوره نجم؛ جلد هفتم از سوره قمر تا پایان سوره نبأ و جلد هشتم آن از سوره نازعات تا پایان سوره ناس است (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۶) این نسخه به روایت ابوالقاسم عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن عبید همدانی است و سد آن از طریق ابراهیم از آدم از ورقاء از ابن ابی نجیح به مجاهد منتهی می‌گردد که مشهورترین طریق تفسیر مجاهد است.

در این تفسیر، روایات به طرق دیگری نیز نقل شده است. آغاز و پایان هر جلد از نسخه دارالکتب مصری دارای یادداشت صورت سماع آن از طریق شیخ ابومنصور محمد بن عبد الملک بن حسن بن خیرون از عمویش ابوالفضل، احمد بن خیرون، از عمویش ابوالفضل، احمد بن حسن بن خیرون از ابوعلی حسن بن احمد بن ابراهیم بن حسن بن محمد بن شاذان از ابوالقاسم عبدالرحمن بن حسن است. آغاز سماع جزء اول، رجب سنه ۵۳۸ ق. و فراغت از آن در روز سه‌شنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۵۴۴ ق. بوده است (همان، مقدمه، ص ۵۸). این نسخه منتخباتی از تفسیر مجاهد است که گردآورنده آن از نسخه‌ای که در اختیار داشته، تلخیص و تلاش کرده است که از نقل اسرائیلیات و قصه‌های اهل کتاب دوری کند. خواننده در این تفسیر، بندرت، به اسرائیلیات برخورد می‌کند (همان، ص ۵۹). تمام تحقیقاتی که بر روی تفسیر مجاهد صورت گرفته بر مبنای این نسخه بوده است، این نسخه به سال ۱۳۶۷ ق. با تحقیق

عبدالرحمن الطاهر بن محمد السورتی در اسلام آباد^۱، در سال ۱۴۱۰ ق. با تحقیق محمد عبدالسلام ابوالنیل در امارات متحده عربی و به سال ۱۴۲۶ ق با تحقیق ابومحمد سیوطی، در بیروت چاپ شده است. پژوهش حاضر نیز بر این نسخه متنی است.

۳- بررسی اعتبار و جایگاه تفسیر مجاهد

در زمینه بررسی اعتبار و اصالت این تفسیر، این مسأله مطرح است که آیا این نسخه خطی از مجاهد است یا دیگران نوشته‌اند؟ با توجه به بررسی‌هایی که صورت گرفت اولاً معلوم می‌شود که مجاهد صاحب تفسیر بوده است؛ زیرا در زمینه تفسیر، شاگردانش به طرق گوناگون از وی روایت نقل کرده‌اند (برای مشاهده طرق روایی مجاهد در تفسیر طبری، نک. نمودار ۱). در تأیید این مطلب، ابن حجر نقل می‌کند که قاسم بن ابی بزه، کتابی مشتمل بر همه تفسیر مجاهد نگاشت که در واقع، همه نقل‌های تفسیر مجاهد از آن نشأت گرفته است (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۲۷۸). شواهد روایی چندی هم این مطلب را که مجاهد صاحب تفسیر بوده، تأیید می‌کند؛ از جمله این که ابن ابی ملیکه می‌گوید: مجاهد را دیدم که تفسیر قرآن را از ابن عباس می‌پرسید و الواحی به همراه داشت که بر آن می‌نگاشت. ابن عباس به او می‌گفت: بنویس؛ تا اینکه مجاهد تفسیر تمام قرآن را از او فرا گرفت (همان، ج ۱۰، ص ۴۴). ثانیاً، این تفسیر در واقع، باقی‌مانده از نقل‌های اولیه تفسیر مجاهد است که یکی از شاگردان وی به نام ابن ابی نجیح از مجاهد روایت کرده و به نام او شهرت یافته و سپس ورقاء بن عمرو یشکری - یکی از شاگردان ابن ابی نجیح - از وی این نسخه را نقل کرده است. در نهایت، آخرین مدوّن آن، یعنی آدم بن ابی ایاس با توجه به روایاتی که از این طریق به وی رسیده و روایاتی که در زمینه اسباب نزول، داستان‌های بلند و... با اسنادی از مشایخ خود که به غیر مجاهد ختم می‌شود، به آن افزوده، شکل نهایی تفسیر را تثبیت کرده است و از این رو، می‌توان گفت هسته اولیه این تفسیر از مجاهد است؛ زیرا طبق بررسی صورت گرفته، از مجموع ۲۱۳۰ روایت این نسخه، ۱۷۳۱ مورد آن به مجاهد ختم می‌شود (برای اطلاع بیشتر نک. نیل ساز، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). علت این که آدم را مدوّن این تفسیر می‌دانیم آن است که ما همه طرق نسخه خطی

^۱ نسخه‌ای که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، با تحقیق عبدالرحمن سورتی است. سورتی اختلافات متن تفسیر مجاهد را با آنچه که در تفسیر طبری ذکر شده و نیز آنچه که از مجاهد در تفسیر طبری آمده، اما در این تفسیر نیامده در پاورقی ضبط کرده که بسیار مفید است.

تفسیر مجاهد را بررسی کردیم و در تمام روایات بجز ۴ مورد، نام وی به عنوان راوی تفسیر آمده است و آن دو راوی دیگر - عبدالرحمن بن حسن همدانی و ابراهیم بن حسین بن علی همدانی - که در ابتدای همه اسناد آمده‌اند، فقط راوی از آدم بوده‌اند و نه مدون؛ زیرا حتی یک روایت هم به طور مستقل از آنها نیامده است. در عین حال، در این نسخه می‌بینیم علاوه بر ۱۷۳۱ روایتی که به مجاهد ختم می‌شود، در اسناد روایات باقی‌مانده هم که به مجاهد ختم نمی‌شود، نام آدم آمده است (برای مشاهده بیشترین اسناد روایات تفسیر مجاهد، نک. نمودار ۲؛ برای مشاهده دیگر اسناد این تفسیر، نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، صص ۱۷۲-۱۶۷).

در بیان اعتبار و اصالت این تفسیر همین بس که بزرگان، جایگاه مجاهد در تفسیر را ستوده و به فراگیری تفسیر او، بویژه از طریق ابن ابی نجیح، سفارش کرده‌اند. بخاری تفسیری را که ابن ابی نجیح از مجاهد نقل کرده، قابل اعتماد دانسته و می‌گوید: از نظر میزان صحت، نظیری برای آن نیست (ابن حجر، ۱۴۰۸، ج ۸، صص ۱۲۲ و ۱۲۵). ابن تیمیه می‌گوید: تفسیر ابن ابی نجیح از مجاهد، صحیح‌ترین تفسیر است؛ بلکه تفسیری صحیح‌تر و برتر از این تفسیر، در میان تفاسیر قدما در دسترس اهل تفسیر نیست (ابن تیمیه، بی‌تا، ص ۹۴). او در جای دیگر، مجاهد را آیتی از تفسیر می‌داند (همان، ص ۱۰۳). سفیان ثوری هم تفسیر ابن ابی نجیح از مجاهد را صحیح می‌داند (ابن حجر، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۵). ابن ندیم (۱۳۶۶، ص ۵۱) و آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۳) هم به این تفسیر به عنوان یکی از طرق تفسیری مجاهد از ابن عباس اشاره کرده‌اند. روایات تفسیر مجاهد در کتب معتبر سنی و شیعه بسیار نقل شده است، اکثر آن را طبری در تفسیر خویش و نیز بخاری، شافعی و سایرین از عامه در کتب خود ضبط کرده‌اند. همچنین، در تفاسیر و کتاب‌های معتبر شیعه مانند کتب اربعه از او روایت نقل شده است (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

این نسخه مشتمل بر تفسیر تمام سوره - بجز سوره‌های حمد، صف، انفطار و کافرون - است؛ اما تفسیر همه آیات را در بر نمی‌گیرد. در این نسخه، روایات به ترتیب سوره سامان یافته و برای هر روایت، جز در موارد معدود، سند به طور کامل ذکر می‌شود. در ابتدای هر سوره، به نام آن سوره اشاره می‌شود که گاه با نام مشهور تفاوت دارد، مانند اینکه سوره تحریم، متحرّم نامیده شده است. در برخی موارد، همه یا قسمتی از آیه نخست به عنوان نام سوره آمده، مثلاً سوره بلد «لا اقسام بهذا البلد» نامیده شده است. در مواردی هم حروف مقطعه و قسمتی از آیه بعد، نام سوره قرار داده شده، مثلاً سوره سجده را «الم تنزیل السجده» نامیده است. بلافاصله

پس از نام سوره با ذکر سلسله سند، تفسیر آیات آغاز می‌شود. گاه نیز بدون ذکر آیه، تفسیر آن آورده شده است (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۶). در برخی موارد، ترتیب آیات رعایت نشده است؛ مثلاً، ابتدا آیه ۱۰۱ سوره بقره تفسیر شده است و بعد آیه ۸۰ (همان، صص ۸۳، ۸۴). گاه یک آیه و تفسیر آن تکرار شده است (همان، صص ۷۲ و ۷۳، ۷۵ و ۷۶، ...). بارزترین روش‌های تفسیری که در این تفسیر دیده می‌شود، روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآن با حدیث و روش تفسیر اجتهادی است.

۴- ارتباط تفسیر مجاهد با روایات مجاهد در تفسیر طبری

یکی از مباحث مهمی که در تعیین اصالت تفسیر مجاهد نقش مهمی را ایفا می‌کند، بررسی ارتباط این تفسیر با تفسیر طبری است؛ زیرا تفسیر طبری به عنوان کامل‌ترین جوامع روایی کهن، شناخته شده است. با بررسی تفسیر طبری، مشاهده می‌شود که روایات مجاهد در این تفسیر به سه طریق عمده و رقاء بن عمرو یشکری، عیسی بن میمون و شبل بن عباد از طریق ابن ابی نجیح از مجاهد روایت شده است (نک. نمودار ۱). به منظور بررسی میزان ارتباط و پیوند این دو تفسیر با هم، طرق و محتوای روایات جامع البیان طبری و نسخه تفسیر مجاهد را با هم مقایسه کردیم و به نتایج مهم و ارزنده‌ای دست یافتیم که اصالت و استقلال تفسیر مجاهد را اثبات می‌کند.

۱) در «جامع البیان» طبری، از آغاز سوره بقره تا پایان سوره اعراف در کل ۷ روایت به طریق و رقاء از ابن ابی نجیح از مجاهد آمده است، با این تفصیل که در سوره آل عمران و اعراف این طریق مشاهده نمی‌شود و در سایر سوره‌ها (البقره، النساء، المائدة، الانعام) به ترتیب ۳، ۲، ۱ و ۱ روایت به طریق فوق وجود دارد، درحالی‌که در نسخه مستقل تفسیر مجاهد در تفسیر این سوره ۴۳۸ روایت با طریق مذکور آمده است که به ترتیب سهم هر سوره ۱۳۷، ۵۴، ۴۶، ۷۸، ۵۴ و ۶۹ روایت است.

۲) استفاده از طریق و رقاء در تفسیر طبری یک سیر صعودی دارد و هر چه به جزءهای آخر نزدیک‌تر می‌شویم، این طریق بتدریج، بیشتر می‌شود، در حالی که در تفسیر مجاهد، نسبت به کل آیات، این روند سیری نزولی دارد. از این رو، نسخه تفسیر مجاهد نمی‌تواند رونویسی شده از تفسیر طبری باشد.

۳) به منظور بررسی دقیق‌تر، اسناد و متن روایات یکی از سوره‌ها - النساء - را در این دو تفسیر مورد ارزیابی قرار دادیم. در مجموع ۳۳۹ روایت از مجاهد در تفسیر ۷۷ آیه از مجموع ۱۷۶ آیه سوره نساء نقل شده است که در این میان طریق عیسی با ۹۸ روایت و طریق شبل با ۹۳ روایت بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که در نسخه مستقل «تفسیر مجاهد»، ۹۹ روایت ذیل ۷۴ آیه از این سوره آمده است که از این تعداد ۷۸ روایت با سند آدم - ورقاء - ابن ابی نجیح، یک روایت با سند آدم - الزئی بن زید - ابن ابی نجیح از مجاهد (ذیل آیه ۱۴۸)، و ۲۱ روایت از غیر مجاهد نقل شده است. همچنین، در «تفسیر طبری» ذیل سوره نساء تنها دو روایت به طریق ورقاء آمده (ذیل آیات ۱۵ و ۲۷) که این دو روایت هم با روایات منقول از ورقاء در نسخه خطی از نظر الفاظ متفاوت است.

طبق بررسی صورت گرفته، قریب به ۶۵٪ روایات مجاهد در نسخه مستقل در تفسیر طبری از طریق عیسی بن میمون و گاه از طریق شبل بن عباد آمده است. به این ترتیب که از ۹۸ روایت طریق عیسی ۱۸ روایت در تفسیر مجاهد نیامده و ۹ روایت نیز از نظر الفاظ و طول عبارات با آنچه در تفسیر مجاهد آمده، متفاوت است. همچنین، گاه مطالب در طریق عیسی با تفصیل بیشتر آمده است و گاه در نسخه مستقل. این بررسی را در سوره بقره و آل عمران نیز انجام دادیم و به نتایج مشابه فوق دست یافتیم. این شواهد تأیید می‌کند که نسخه مستقل تفسیر مجاهد برگزیده‌ای از تفسیر طبری نیست و بیشترین پیوند را با طریق عیسی و شبل و ورقاء دارد. مقایسه تفصیلی ما در این بخش نشان می‌دهد که بیش از ۶۰٪^۱ روایاتی که در تفسیر مجاهد به طریق مشهور از ورقاء از ابن ابی نجیح از مجاهد نقل شده است، در تفسیر طبری دقیقاً همان روایات از طریق عیسی بن میمون نقل شده است.

۴) مطلب دیگر که اصالت این تفسیر را تأیید می‌کند، بررسی نقل‌های مختلف روایات تفسیر مجاهد در تفسیر طبری است، به این منظور، چهار طریق روایی مهم مجاهد در تفسیر طبری را برگزیدیم که سه طریق آن در ابن ابی نجیح و یک طریق آن در ورقاء و ابن ابی نجیح، با روایات تفسیر مستقل مجاهد مشترک‌اند (نک. نمودار ۱). با بررسی نقل‌های مختلف روایات تفسیر مجاهد، این نتیجه حاصل می‌شود که محتوای آنها به هم شبیه‌اند و تفاوت اساسی و بنیادین ندارند. تشابه این نقل‌های مختلف تفسیر را می‌توان دلیلی بر وجود یک منبع مشترک دانست. البته، این نقل‌ها اختلافاتی جزئی - مثلاً در استناد به اشعار - دارند؛ از این‌رو،

^۱ این مقدار در سوره‌های مختلف تفاوت دارد. مثلاً، در سوره آل عمران این شباهت قریب به ۸۰٪ است.

می‌توان گفت که منبع اصلی، بزرگ‌تر و گسترده‌تر از این نقل‌های باقیمانده بوده و راویان به دلخواه از آن‌گزینش و نقل می‌کردند. منبع اصلی تفسیر مجاهد از سال ۱۲۰ ق. وجود داشته است (نیل‌ساز، ۱۳۸۶، صص ۱۲۰-۱۲۳).

۵) نکته شایان توجه دیگر این است که مجموع روایات ابن ابی‌نجیح از مجاهد که به طریق ورقاء در تفسیر طبری آمده ۱۶۲۸ روایت است که در این میان، ۱۳۱۳ روایت را حسن اشیب از ورقاء نقل می‌کند. طبق بررسی صورت گرفته، نسخه خطی مجاهد، بیش‌ترین شباهت را به این طریق دارد. به عنوان مثال در بررسی روایات سوره ابراهیم به این نتیجه رسیدیم که در نسخه مستقل ۱۳ روایت به طریق مشهور آمده بود که همه آنها عیناً در جامع‌البیان به طریق حسن اشیب از ورقاء و شباهت از ورقاء آمده است.

طبری در مجموع از ۹ طریق متفاوت از ورقاء روایت نقل کرده است؛ اما در همه جا به میزان یکسان، از این طرق بهره نبرده است؛ یعنی در برخی بخش‌ها، بیشتر از یک طریق استفاده کرده است؛ مثلاً تا جلد ۱۳ اکثر روایات را به سه طریق عبدالله بن ابی‌جعفر، ابن‌نمیر و شباهت از ورقاء آورده است و از جلد ۱۵ به بعد، تقریباً همه روایات به طریق حسن اشیب از ورقاء است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که طبری تفسیرهای کاملی از قرآن از مراجع قدیمی، از جمله تفسیر مجاهد در اختیار داشته و در هر بخش از طریقی که خود به منابع مکتوب دسترسی داشته، یعنی در مجلس درس مشایخ، آن را دریافت می‌کرده، استفاده نموده که این مسأله موجب پراکندگی اسناد آن در طی تفسیرش شده است (نیل‌ساز و زرین‌کلاه، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

۶) شاهد دیگر بر اصیل بودن تفسیر مستقل مجاهد، طرق روایی است که ثعلبی در مقدمه تفسیر خود، از مجاهد بیان می‌کند، براساس آنچه وی گفته است، مجموعه‌های تدوین شده از اقوال تابعین همچون تفسیر حسن بصری، تفسیر عکرمه، تفسیر مجاهد، تفسیر محمد بن کعب قرظی و تفسیر سعید بن جبیر، در زمان وی (ثعلبی) موجود بوده است و گاه به چند طریق روایت شده‌اند. وی ذیل عنوانی به نام «طرق تفسیر مجاهد» طرقی را برای روایات تفسیری او ذکر کرده و طریق خود به هر یک از آنها را توضیح داده است که در میان آنها، تنها ۳ مورد آن که به طریق ابن ابی‌نجیح، ابن‌جریح و لیث نامیده شده‌اند، به مجاهد منتهی می‌شود (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۷۸). حاجی‌خلیفه هم می‌گوید: برای روایات تفسیری مجاهد طرقی است که از جمله آنها طریق ابن ابی‌نجیح، ابن‌جریح و لیث است (حاجی‌خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۸).

۷) حتی بدون در نظر گرفتن تفسیر طبری و بررسی ارتباط این دو تفسیر با یکدیگر، باز هم می‌توان اصالت نسخه خطی تفسیر مجاهد را اثبات کرد. با توجه به این که از مجموع ۱۷۳۱ روایتی که به مجاهد ختم می‌شود، ۱۱۰۰ روایت، حدود ۶۵٪ آن، به تبیین لغوی اختصاص دارد (ر. ک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، ص ۵۴ و نک نمودار ۳)، می‌توان نتیجه گرفت که این تفسیر، مربوط به دوره‌های قبل از تفسیر طبری بوده است؛ زیرا نخستین گونه تفسیر کهن، تفسیر لغوی بوده‌اند (برای توضیح بیشتر نک. نیل‌ساز و زرین کلاه، ۱۳۹۱، صص ۲۰۶-۲۰۷). برای شناخت دقیق‌تر اسناد نسخه خطی این تفسیر، در ادامه به بررسی این اسناد و تنوع آن در طول هر نسخه می‌پردازیم.

۵- بررسی اسناد تفسیر مجاهد

با وجود این که تفسیر مجاهد، با نام مجاهد بن جبر است، اما طبق بررسی‌های صورت گرفته در اسناد روایات این تفسیر، همه روایات آن، به مجاهد ختم نمی‌شود، بلکه از مجموع ۲۱۳۰ روایت، تنها ۱۷۳۱ روایت حاوی آرای مجاهد است. سایر روایات تفسیر مجاهد که به مراجع دیگر می‌رسد، توسط آدم بن ابی ایاس، به این تفسیر افزوده شده است (نیل‌ساز، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). قابل ذکر است که در این تفسیر ۴ روایت نیز آمده که آدم بن ابی ایاس در سند آنها ذکر نشده است.^۱ از این رو، در روایات این تفسیر با اسناد متنوع که در مجموع ۲۷۱ سند است، مواجه هستیم. بیشترین تنوع سند در جلد دوم، خصوصاً از سوره نجم به بعد، مشاهده می‌شود.

۵-۱- تنوع اسناد

۵-۱-۱. سندهای منتهی به مجاهد: در این تفسیر به چند سند مختلف - که در واقع طرق روایات مجاهد در این تفسیر هستند- از مجاهد روایت نقل شده است. مشهورترین سند، ۱۷۰۰

^۱ این سندها عبارتند از:

الف) ابراهیم - سنید بن داود - حجاج - ابن جریج - عبدالله بن کنیر - محمد بن کعب قرظی (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۷)؛

ب) ابراهیم - هشیم و ورقاء - سلیمان شیبانی - ابن ابی اوفی (همان، ج ۱، ص ۲۷۲)؛

ج) سلیمان بن حرب - حماد بن سلمه - علی بن زید بن جدعان - سعید بن جبیر (همان، ج ۲، ص ۵۰۷)؛

د) ابن ابی فدیك - حسن بن عبدالله بن عطیه - ابن عباس (همان، ص ۵۳۲).

روایت را به خود اختصاص داده و به روایت عبدالرحمن بن حسن بن احمد همدانی از ابراهیم بن حسین همدانی از آدم بن ابی ایاس از ورقاء بن عمر یشکری از ابن ابی نجیح از مجاهد است. علاوه بر طریق مشهور، در این تفسیر، طرق دیگری نیز به مجاهد ختم می‌شود. این طرق که در مجموع، ۱۴ مورد هستند، در ۳۱ روایت دیده می‌شود که در این میان پس از سند مشهور، طریق (آدم - شیبان - منصور - مجاهد)، بیشترین روایت را به خود اختصاص داده است.

علاوه بر روایاتی که به مجاهد می‌رسد، روایاتی هم از مجاهد، از پیامبر (ص)، ائمه (ع) و صحابه نقل شده است.

در مجموع، ۶ روایت از مجاهد از پیامبر ضمن مباحث مختلف فقهی، کلامی، اسباب نزول و... آمده است (نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). از ائمه هم تنها یک روایت از امام علی (ع) آمده است (ذیل آیه ۴۰ از سوره ق). اما از مجاهد از قول دیگر ائمه (ع) - امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) - که در دوران ایشان زندگی می‌کرده، روایتی ذکر نشده است.

۹ روایت نیز از مجاهد از صحابه، نقل شده که از این تعداد، ۸ روایت از ابن عباس است که ۴ مورد آن در بیان معنای واژه است. به عنوان مثال واژه «آت» در آیه ﴿وَأْتَتْ كُلَّ وَّاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا﴾ (یوسف: ۳۱/ ۱۲) را «أعطت» معنا کرده است. ۲ مورد در تعیین مبهم است که در یک مورد آن مراد از آیه (الاعراف: ۱۷۵ / ۷) را بلعم باعورا و در مورد دیگر، مراد از آیه (الانفال: ۲۲ / ۸) را افرادی از قبیله بنی‌دار می‌داند. یک مورد از روایات ابن عباس هم در بیان مباحث فقهی (ذیل آیه البقره: ۱۹۶ / ۲) و روایت دیگر در بیان مراد از آیه (ق: ۴۰ / ۵۰) است. در یک روایت هم از ابن مسعود واژه «مُغِيرَات» (العادیات: ۳ / ۱۰۰) به «الخیل» معنا شده است.

۵-۱-۲. سندهای منتهی به غیر مجاهد: از ۲۱۳۰ روایت این تفسیر، ۳۹۹ روایت آن به افرادی غیر از مجاهد ختم می‌شود. این روایات را از جهت این که به چه کسی ختم می‌شود، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: برخی به پیامبر (ص) ختم می‌شود که در مجموع، ۲۶ مورد است و از این تعداد، ۲۲ روایت از صحابه و ۴ روایت هم به نقل دو تن از تابعین به نام حسن بصری و سلمة بن یزید از پیامبر (ص) است که این ۴ مورد مرسل هستند (زرین کلاه، همان، ص ۱۲۳).

برخی از این روایات به ائمه اطهار (ع) می‌رسد که در مجموع ۱۹ روایت هستند. برخی نیز به صحابه می‌رسد. با سند غیر از مجاهد، حدود ۱۶۲ روایت از صحابه نقل شده که از این تعداد ۷۱ روایت آن که شامل ۵۰ طریق می‌شود، از ابن عباس نقل شده است (برای تفصیل اسناد، نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، صص ۱۷۰-۱۷۲، جدول ۷). بنابراین، می‌توان گفت پس از مجاهد، فردی که روایات او بیش از بقیه، در این تفسیر نقش قابل توجهی داشته، ابن عباس است.

رساندن اسناد به صحابه بویژه، ابن عباس اصلاً، عجیب نیست؛ زیرا اگر هماهنگ با شرایط و جوّ زمان، کسی می‌توانست روایت تفسیری را به یکی از صحابه پیامبر اکرم به ویژه ابن عباس برساند، قطعاً موجب افزایش اعتبار تفسیر می‌شد (زرقانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۳). سایر روایات از صحابه‌ای مانند ابن مسعود، ابوموسی اشعری، عایشه، محمد بن کعب قرظی، ابوهریره، ابوسعید خدری، ابوعبدالرحمن سلمی، انس بن مالک و... نقل شده است.

باقی‌مانده روایات که در مجموع ۱۸۳ مورد می‌شود منقول از تابعین و اتباع تابعین است. در این میان، بیشترین روایت به طریق «آدم- مبارک بن فضاله- حسن بصری» است. این طریق که در ۴۴ روایت آمده در واقع، پس از طریق مشهور، بیشترین روایات مذکور در تفسیر مجاهد را به خود اختصاص داده است.

۵-۲- پدیده عجیب در نسخه خطی تفسیر مجاهد

به گزارش لیمهاوس در نسخه خطی تفسیر مجاهد که در «دارالکتب قاهره» موجود است، یک افتادگی عجیب وجود دارد. در این نسخه «از آغاز سوره قلم تا آغاز سوره مرسلات»، راوی تفسیر - آدم بن ابی ایاس - جز یک مورد (آیه ۱۵ سوره الجن)، هیچ روایت تفسیری با سند «ورقاء عن ابن ابی نجیح عن مجاهد» نقل نمی‌کند؛ در حالی که طبری در تفسیر این بخش، حدود ۱۰۰ روایت از مجاهد نقل کرده که تقریباً همه آنها به دو طریق عیسی و ورقاء هستند (Leemhuis, 1988, P. 20). این افتادگی در ابتدا عجیب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا آدم بن ابی ایاس آن را با ۳۷ روایت که به مراجع مختلف مانند پیامبر (ص)، علی (ع)، ابن عباس و... ختم می‌شود، تکمیل می‌کند. در بررسی دیدگاه لیمهاوس، ما نیز این مطلب را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که در این قسمت با طرق دیگر غیر از ابن ابی نجیح، از مجاهد ۴ روایت نقل شده است.

همچنین، از سوره قارعه تا سوره فیل هم تنها ۳ روایت از طریق ابن ابی‌نجیح از مجاهد آمده که معلوم می‌شود لیمهاوس به این قسمت توجه نداشته و فقط اسناد روایات سوره القلم تا المرسلات را مشاهده کرده است.

عدم نقل روایات تفسیری مجاهد توسط آدم در این سوره‌ها، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد؛ اما آشکارترین دلیل آن است که ورق‌های این بخش، از نسخه خطی تفسیر مجاهد که آدم آن را روایت می‌کرد، افتاده بوده است. لیمهاوس از این پدیده نتیجه گرفته که گزارش‌های مربوط به وثاقت آدم بن ابی‌ایاس صحیح است. بنابراین، دلیلی برای شک در مورد اسناد وجود ندارد. از طرفی، آدم مطابق قواعدی که تا آن هنگام وضع شده بود، از ورقاء روایت می‌کرد. بنابراین، منبع آدم بایستی قبل از سال ۱۶۰ ق. یعنی سال مرگ ورقاء، نوشته شده باشد (همان) تحقیقات ما نیز این مطلب را تأیید می‌کند و مؤید این مطلب نیز هست که مدون این تفسیر، آدم بن ابی‌ایاس بوده است؛ زیرا همانطور که قبلاً نیز بیان شد، همه روایات افزوده شده، از طریق آدم نقل شده است.

۶- بررسی متن

پس از بررسی سند و بدست آوردن اطلاعاتی در این باره، نوبت به بررسی متن این تفسیر می‌رسد. در بررسی متن، مطالبی قابل توجه است:

۶-۱- تبیین لغوی و بیان مراد عبارات قرآنی

مهم‌ترین ویژگی تفسیر مجاهد، تبیین لغوی است. بررسی دقیق نشان می‌دهد ۱۲۵۰ روایت تفسیر مجاهد -۱۱۰۰ روایت از مجاهد و ۱۵۰ روایت از غیر او- یعنی حدود ۶۵٪ روایات آن، در بیان معنای واژگان یا عبارات قرآنی است (برای فهرستی از این واژگان و معنای آنها به تفکیک سوره‌ها نک. زرین کلاه، جدول ۱، صص ۱۳۹-۱۵۹؛ برای مشاهده درصد روایات در مباحث مختلف، نک. نمودار ۳). و از این جهت، می‌توان تفسیر روایی مجاهد را یک تفسیر لغوی نامید.

او در بیان معنا، گاه به ذکر یک کلمه کفایت می‌کند؛ گاه نیز برای فهم بهتر واژه، به شرح و توضیح آن می‌پردازد. مثلاً در بیان معنای واژه «یزکون» در آیه ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ﴾ (النساء: ۴۹/۳) می‌گوید: یهودیان در نماز انگشتانشان را جلو می‌آوردند و گمان

می‌کردند که گناهی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود و این تزکیه است. گاه نیز دو معنا برای یک واژه ذکر می‌شود؛ مثلاً، در معنای «مُخَلَّدُونَ» در آیه ﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾ (الواقعه: ۵۶ / ۱۷) می‌گوید: «نه می‌میرند و نه پیر می‌شوند». گاه پس از ذکر یک معنا، همان معنا را دوباره توضیح می‌دهد؛ مثلاً، در معنای واژه «أَقْوَاتَهَا» در آیه ﴿وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾ (فصلت: ۴۱ / ۱۰)، می‌گوید: «روزی‌های آن‌ها یعنی: باران». همچنین، گاه به مترادف دو واژه در یک آیه اشاره کرده است، مثلاً در معنای ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسِي﴾ (طه: ۲۰ / ۵۲) می‌گوید: «هُمَا شَيْءٌ وَاحِدٌ». گاه نیز معانی واژگان را با ذکر تفاوت آن‌ها بیان می‌کند؛ مثلاً در تفاوت «رسول» و «نبی» در ذیل آیه شریفه ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ (مریم: ۱۹ / ۵۱)، می‌گوید: نبی کسی است که صحبت می‌کند و به او وحی نازل می‌شود و به رسالت، برانگیخته نمی‌شود؛ اما رسول کسی است که به سوی مردم ارسال می‌شود.

در مواردی از تبیین لغوی، علاوه بر قول مجاهد، اقوالی از دیگر صحابه و تابعان مانند ابن عباس و حسن بصری و دیگران هم آورده شده است که گاه، همانند قول مجاهد است و گاه با آن تفاوت دارد؛ مثلاً، در معنای واژه (طَعَامُهُ) (المائدة: ۵ / ۹۶) از مجاهد معنای «ماهی»، از ابراهیم «نمک آلود» و از سعید بن جبیر معنای «هر چیزی می‌تواند باشد» نقل شده است (نک. زرین‌کلاه، ۱۳۹۰، صص ۵۷-۵۸).

یکی از ویژگی‌های مهم این تفسیر، تبیین معنای واژگان قرآن با استناد آن به زبانی بیگانه است. در این نسخه، اگرچه از بحث‌های نظری چالش‌برانگیز در این باب (نک. نیل‌ساز، ۱۳۸۸، صص ۱۶۹-۱۷۲) اثری نیست؛ اما در ۱۳ روایت، یازده واژه قرآنی به زبان‌هایی چون فارسی، سریانی و رومی نسبت داده شده است؛ از این تعداد معنای ۷ واژه از مجاهد و بقیه از افرادی دیگر مانند ابن عباس، عکرمه و ابوموسی اشعری نقل شده است (نک. مجاهد، ۱۳۶۷، ذیل البقره: ۲ / ۶۳، هود: ۱۱ / ۹۲، الاسراء: ۱۷ / ۳۵، مریم: ۱۹ / ۲۴، برای تفصیل مطالب نک. زرین-کلاه، صص ۵۹-۶۰). از این رو، می‌توان مجاهد را در زمره معتقدان به وجود واژگان معرب در قرآن، قرار داد.

همچنین، نخستین شواهد آثار وجوه و نظایر، که به جمع‌آوری واژگانی که با صورت واحد در معانی مختلف در قرآن به کار رفته‌اند می‌پردازند در این تفسیر یافت می‌شود؛ مانند معانی مختلفی که برای «افک» (تفسیر مجاهد ذیل العنکبوت: ۲۹ / ۱۷، الشعراء: ۲۶ / ۲۳، الاعراف: ۷ /

۱۱۷، الذاریات: ۵۱/۹)، «فتنه» (همان ذیل البقره: ۲/۱۹۱ و ۲۱۷، آل عمران: ۳/۷، التوبه: ۹/۱۲۶، العنکبوت: ۲۹/۲ و...) و «فرقان» (همان، ذیل الانفال: ۸/۲۹ و ۴۱، الانبیاء: ۲۱/۴۸) بیان شده است (برای تفصیل بیشتر، نک. زرین کلاه، ص ۶۲).

در مقابل، برخی واژه‌ها که در آیات مختلف تکرار شده، همه جا به یک صورت معنا شده‌اند؛ مثلاً «سلطان» همه جا به «حجت»، «قانتون» و مشتقات آن به «مطیعون» و مشتقات آن و «میزان» به «عدل» معنا شده است (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۱۷۹، ۸۶ و ج ۲، ص ۶۴۰).
غیر از تبیین لغوی در بسیاری موارد، مراد از واژگان و عبارات قرآنی نیز بیان شده است؛ بعنوان نمونه، مراد از ﴿يَتْلُوهُ هَٰذَا حَقًّا تِلَاوَتِهِ﴾ (البقره: ۲/۱۲۱) «عمل کردن آن چنانکه شایسته عمل است»، مراد از «صِبْغَةَ اللَّهِ» (البقره: ۲/۱۳۸) «فطرت اسلام» و مراد از «قُرْآنَ الْفَجْرِ» (الاسراء: ۱۷/۷۹) «نماز صبح» دانسته شده است.

۶-۲- استشهاد به قرآن و شعر

در نسخه مستقل تفسیر مجاهد، حتی یک مورد استشهاد به شعر دیده نمی‌شود؛ اما موارد استشهاد به قرآن در این تفسیر متعدد است. این استشهاد که گاه تصریحی و گاه تلویحی است، کارکردهای مختلفی دارد: گاه برای تفسیر عبارت یا آیه‌ای از قرآن به کار رفته (ذیل البقره: ۲/۱۵۹ استناد تلویحی به ابتدای آیه) و گاه به عنوان مستندی، بر صحت یک تفسیر از آیه است. مثلاً، در تفسیر آیه ﴿فَقُلْنَا لَهُمْ كُفُّوا قُرْدَةَ خَاسِيْنَ﴾ (البقره: ۲/۶۵) معتقد است آن گروه از یهود واقعاً به صورت بوزینه مسخ نشدند و آن را مانند آیه ﴿كَمَثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ (الجمعه: ۵/۶۲) می‌داند. گاه آن استشهاد برای اشاره به این نکته است که محتوای یک آیه مشابه آیات دیگر است؛ مانند این که آیه ﴿وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا﴾ (الانعام: ۶/۷۰) را مشابه آیه ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا﴾ (المدثر: ۷۴/۱۱) دانسته است و گاه نیز اقدام او به استشهاد برای تبیین مجمل (ذیل البقره: ۲/۱۲۲، تبیین «نعمت» با اشاره تلویحی به آیات البقره: ۲/۴۹، ۵۷، ۶۰) است (برای تفصیل، نک. زرین کلاه، صص ۹۰-۹۴).

۶-۳- اسباب نزول

ابزار تفسیری دیگر که از نظر میزان کاربرد بعد از تبیین لغوی اما با اختلاف بسیار زیاد قرار می‌گیرد، بیان سبب نزول آیات است. در تفسیر مجاهد، ۵۱ روایت سبب نزول از مجاهد و ۱۰ روایت از افرادی غیر مجاهد نقل شده است. برخی از این روایات به وقوع حادثه‌ای اشاره می‌کنند که به دنبال آن آیه‌ای نازل شده است. روایات نقل شده در مورد حوادث جنگ بدر (الانفال: ۱۷ / ۸، الحشر: ۵ / ۵۹، آل عمران: ۱۲۴ / ۲)، نزاع میان دو نفر (النساء: ۶۰ / ۴) و... از این موارد است.

در تفسیر مجاهد، مواردی یافت می‌شود که آیه را با واقعه‌ای که در میان امت‌های گذشته روی داده، با عبارت «فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ» پیوند داده است (مجاهد، ۱۳۶۷، ذیل البقره: ۲ / ۲۴۳). برخی از روایات به سؤالاتی اشاره می‌کند که در پی آنها، آیه‌ای نازل شده است. درخواست معجزه (القصص: ۴۸ / ۲۸)، حکم قتال در ماه‌های حرام (البقره: ۲ / ۲۱۷)، زمان برپایی قیامت (لقمان: ۳۱ / ۳۴)، سؤال یهودیان از پیامبر در مورد روح (الاسراء: ۱۷ / ۸۵)، ذو القرنین و أصحاب کهف (الکهف: ۱۸ / ۸۳) از این موارد هستند و برخی نیز به بیان فرهنگ و فضای نزول آیات اختصاص دارد که ضمن آن مسائل و احکام فقهی هم بیان می‌شود. مانند حکم کسی که با عذر، زودتر از موعد مقرر، در حج سر خود را بتراند (ذیل آیه البقره: ۲ / ۱۹۶)، فدیة دادن (همان)، زنا (ذیل آیه النور: ۲۴ / ۳) و... (برای تفصیل، نک. زرین‌کلاه، صص ۷۰-۷۵، صص ۸۲-۸۷).

۶-۴- تعیین مبهمات

در تفسیر مجاهد، ۵۷ روایت از خود او و ۵ روایت از غیر او، الفاظ یا عبارات مبهم در قرآن را معین می‌کند. این موارد شامل اشاره به نام افراد، گروه‌ها، قبایل، اقوام، زمان‌ها، مکان‌ها و تعداد نامشخص می‌شود؛ مانند: فردی که بر قریه‌ای ویرانه عبور کرد و امر بعث بر او شگفت آمد، ارمیا نام داشت (البقره: ۲ / ۲۵۹)، مراد از دو گروه نبردکننده در آیه ۱۳ آل عمران، محمد (ص) و اصحاب او و مشرکان قریش در جنگ بدرند، دو طائفه از مسلمانان که نزدیک بود در نبرد سستی کنند، بنوحارثه و بنوسلمه در جنگ احد بودند (آل عمران: ۳ / ۱۲۲)، یوسف (ع) به ۲۲ درهم فروخته شد (یوسف: ۱۲ / ۲۰)، کسی که با در دست گرفتن استخوان‌های پوسیده، معاد را انکار می‌کرد (یس: ۷۸ / ۳۶)، ابی بن خلف بود و موارد متعدّد دیگر.

۶-۵- ذکر قصّه

در تفسیر مجاهد، ۳۸ مورد ذکر قصه، برخی تصریحی و برخی تلمیحی، یافت می‌شود که ۲۳ مورد آنها از مجاهد و بقیه از راویان دیگر است. ۱۲ داستان مفصل (از ۵ تا ۱۵ سطر) و ۵ داستان کوتاه (از ۲ سطر تا ۵ سطر) از مجاهد (برای نمونه‌های بیشتر، نک. تفسیر مجاهد ذیل البقره: ۲/ ۸۸-۹۱، المائدة: ۵/ ۱۲-۲۳، التوبه: ۹/ ۱،... برای موارد کوتاه نک. همان ذیل البقره: ۲/ ۵۴ و ۷۷) و ۱۰ داستان مفصل (از ۶ سطر تا ۶۴ سطر) و ۵ داستان کوتاه از سایر راویان (برای موارد مفصل نک. همان ذیل النمل: ۲۷/ ۲۱-۴۴، القصص: ۲۸/ ۶-۱۲ و ۸۱) مربوط به ماجراهای پیامبران پیشین و همچنین رویدادهای زمان پیامبر دیده می‌شود و در سایر موارد، صرفاً به ماجرای اشاره شده است. نکته‌شایان توجه در مورد داستان این است که معمولاً، روایات منقول از غیر مجاهد طولانی‌تر از روایات منقول از مجاهد است.

داستان‌های تفسیر مجاهد را می‌توان به لحاظ محتوایی هم دسته‌بندی کرد. دسته‌ای از آنها اخباری هستند که به خلقت آدم و سرگذشت امت‌های قبل و پیامبران آنها می‌پردازد. داستان ذبح گاو بنی اسرائیل (البقره: ۲/ ۶۷)، داستان بخت النصر (الاسراء: ۱۷/ ۵)، جریان اصحاب کهف (الکهف: ۱۸/ ۲۵-۹) از این موارد هستند. در این دسته از اخبار، مواردی از اسرائیلیات دیده می‌شود (البقره: ۲/ ۲۴۷). دسته‌ای دیگر هم مربوط به پیامبر (ص)، قریش و مسلمانان صدر اسلام و وقایع آن زمان است که برخی از این اخبار در ارتباط با اهل کتاب است (البقره: ۲/ ۷۹) و برخی دیگر به مشرکان و جنگ‌های صدر اسلام و موارد دیگر مربوط می‌شود. جریان نزاع میان منافق و یهودی (النساء: ۴/ ۶۵)، ماجرای جنگ تبوک (التوبه: ۹/ ۱) و... از این دست اخبارند (برای تفصیل نک: زرین کلاه، صص ۸۶-۸۲).

۶-۶- تبیین مجملات

از مواردی که روایات این تفسیر به آن پرداخته شده، تبیین واژگان و عبارات مجمل است. به عنوان مثال مراد از «الناس» در آیه ﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (البقره: ۲/ ۱۴۳) را همه امت‌ها از یهود، نصاری و مجوس می‌داند. در تبیین ﴿فَصَرُّهُنَّ إِلَيْكَ﴾ (البقره: ۲/ ۲۶۰) می‌گوید: «انْتَفِهْنَ بِرِيشِهِنَّ و لِحُومِهِنَّ و مَزِقِهِنَّ تَمَزِيقًا»: «پرهای و گوشت‌های آنها را برکن و آنها را پاره پاره کن». مراد از آیات در آیه ﴿وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ﴾ (الانبیاء: ۲۱/ ۳۲) را «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَهِيَ آيَاتُ السَّمَاءِ» می‌داند و موارد بسیار دیگر از این قبیل (نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، صص ۶۹-۶۷).

۶-۷- تبیین نحوی

در این تفسیر، توجه به تبیین مسائل نحوی بسیار اندک است و تقریباً می‌توان گفت منحصر به تعیین مرجع ضمائر و تقدیر گرفتن حروف است؛ مانند اینکه: مرجع ضمیر «هم» در آیه ﴿إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ...﴾ (البقره: ۱۴۶ / ۲) را اهل کتاب دانسته و نیز عبارت ﴿يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾ (آل عمران: ۱۷۵ / ۳) را به صورت «یخوفکم بأولیائهم» آورده است.

۶-۸- تأویل، تشبیه، تمثیل

نخستین شواهد اعتقاد به وجود مجاز در قرآن، یعنی دلالت الفاظ قرآن بر معنایی غیر از معنای ظاهری، که خود منجر به تأویل آیات می‌شود، در این تفسیر، آن هم در مواردی انگشت‌شمار، یافت می‌شود. مشهورترین و چالش‌برانگیزترین موارد در تفسیر آیه ۶۵ سوره بقره است که مجاهد برخلاف نظر اکثر مفسران، مسخ شدن قوم یهود به بوزینه را مانند تمثیل یهود به حمار در آیه ۵ سوره جمعه دانسته است نه معنای ظاهری آن. دو آیه دیگر را هم مثل نامیده است. نخست آیه ﴿نَسَقِي بِمَاءٍ وَاحِدٍ﴾ (الرعد: ۴ / ۱۳) است که علاوه بر معنای ظاهری، یعنی آب آسمان، تمثیلی از حضرت آدم و فرزندان صالح و ناصالح ایشان دانسته است و دیگری عبارت ﴿إِنَّ تَحْمِيلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَثْرُكُهُ يَلْهَثُ﴾ در آیه ۱۷۶ اعراف است که می‌گوید این مثل کسی است که کتاب را می‌خواند ولی به آن عمل نمی‌کند (برای موارد بیشتر، نک. زرین کلاه، ص ۶۵).

همچنین، تفسیر «جَنب» در آیه ﴿فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾ (الزمر: ۵۶ / ۳۹) به «امر» و «ید» در آیه ﴿وَالسَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾ (الذاریات: ۴۷ / ۵۱) به «قوت»، نشان‌دهنده عقل‌گرایی مجاهد در تفسیر و دغدغه‌های کلامی وی در منزّه دانستن خدا از تجسیم و تشبیه است.

۶-۹- ناسخ و منسوخ

در این تفسیر مانند سایر موارد از مباحث نظری درباره نسخ یا انواع سه‌گانه نسخ در باور عالمان اهل سنت اثری نیست. شاید به این دلیل است که در آن زمان، هنوز انواع نسخ تدوین نشده بوده است. تنها در سه مورد، یکی از ابن عباس و دیگری از مجاهد با عبارت «نَسَخْتَهَا» به نسخ آیه ۲۸۴ بقره با آیه ۲۸۶ (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱۸) و نسخ آیه ۱۶ سوره نساء با

آیه دوم سوره نور (همان، ج ۲، ص ۱۴۸) و سرانجام در روایتی از مسروق بن اجدع با عبارت «نُسِخَتْ» به نسخ آیه دوم سوره مزمل با آیه ۲۰ آن اشاره شده است (همان، ج ۲، ص ۷۰۱). البته باید توجه داشت که عالمان گذشته نسخ را در معنایی عام‌تر از مصطلح امروزی به کار می‌بردند و شامل مواردی چون تقیید مطلق، بیان مجمل و غیره هم می‌شد (نک. زرقانی، ۱۴۰۸، ص ۴۱۳). در دو مورد هم نه به نسخ آیه‌ای با آیه دیگر، بلکه به نسخ قوانین جاهلی با آیه ارت (النساء: ۴ / ۱۱) از ابن عباس و نسخ احکام دشوار مربوط به روزه در ابتدای تشریح با آیه ۱۸۷ سوره بقره از مجاهد اشاره شده است. در دو مورد هم با روایاتی از ابن عباس و ابومیسره به نسخ شدن دو آیه ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ (البقره: ۲ / ۱۸۴) و ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْحَنِقَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُرْدِيَةُ...﴾ (المائدة: ۳ / ۵) تصریح شده است (مجاهد، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۹۷ و ۱۸۷).

۶-۱۰- اختلاف قرائات

در این نسخه تنها در ۶ روایت (۲ روایت از مجاهد به نقل از ابن مسعود و ۴ روایت از غیر مجاهد)، به اختلاف در خواندن واژه‌ای از قرآن اشاره شده است که همه این موارد به مثابه توضیحات تفسیری یا بیان مترادف واژه است. مانند این که ابن مسعود به جای «صَعَت» (التحریم: ۶۶ / ۴)، «زَاعَت»، به جای «فَاسَعُوا» (الجمعه: ۶۲ / ۹)، «فَامَضُوا» و به جای «سَاهُونَ» (الماعون: ۱۰۷ / ۵)، «لاهُون» یا علی (ع) به جای «حَصَب» (الانبياء: ۲۱ / ۹۸)، «حَطَب» قرائت می‌کردند. ظاهراً به نظر می‌رسد که در زمینه اختلاف قرائات از مجاهد روایات زیادی نقل نشده است، زیرا در کتاب مصاحف ابن ابی داود سجستانی هم تنها دو روایت در این زمینه از وی ضبط شده است (ابن ابی داود، ۱۴۲۳، ص ۲۲۱).

۶-۱۱- ذکر حدیث نبوی

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، در این تفسیر تنها در ۶ مورد از روایات منقول از مجاهد، در قالب بیان اسباب نزول آیه، به کلامی از پیامبر (ص) اشاره شده است. به عنوان مثال، مجاهد نقل می‌کند پیامبر (ص) به همسر مردی که زن خود را مورد ضرب و شتم قرار داده بود، فرمود: "القصاص القصاص" (النساء: ۴ / ۳۴). سایر موارد ذکر حدیث نبوی که ۲۲ مورد و از صحابه‌ای مانند ابن عباس، ابوهریره، ابوسعید خدری و دیگران است، از جمله روایاتی

است که آدم بن ابی ایاس به این تفسیر افزوده است. اکثر این روایات در تبیین معنای واژگان، ذکر سبب نزول، مباحث قیامت یا معراج پیامبر است. به عنوان مثال، ابوهریره از پیامبر (ص) نقل می‌کند مراد از ﴿مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه: ۲۰/۱۲۴) عذاب قبر است. ابوسعید خدری می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم می‌فرمود: در آن روز ساق پای خداوند آشکار می‌شود، در همان هنگام، تمامی زنان و مردان با ایمان به سجده می‌افتند و کسانی که در دنیا به ریا و خودنمایی سجده کرده بودند آن روز می‌خواهند سجده کنند، اما پشتشان (مانند یک تخته) یک پارچه می‌شود^۱ (ذیل آیه ۴۲/القلم). (برای موارد بیشتر نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، صص ۹۴-۹۷).

۶-۱۲- ذکر حدیث از ائمه اهل بیت (ع)

در این تفسیر تنها یک روایت از امام علی (ع) به نقل از مجاهد وجود دارد و آن هم در بیان مراد آیه ﴿وَأَذْبَارَ السُّجُودِ﴾ (ق: ۵۰/۴۰) است که امام می‌فرماید: مراد از این عبارت دو رکعت نماز نافله پس از نماز مغرب است. با اسناد دیگر از افرادی غیر مجاهد مانند، خالد بن عرعره، سعید بن مسیب، حارث، اصبع بن نباته، عبدالله بن یحیی و زادن، ۱۵ روایت از امام علی (ع) آورده که بیشتر آنها در معنای واژگان است. به عنوان مثال، ذیل آیه: ﴿ثُمَّ لُتْسَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (التكاثر: ۸/۱۰۲) از امام علی (ع) نقل شده که «النعيم: هو العافية». از دیگر ائمه هم دو روایت از امام حسین (ع)، یک روایت از امام حسن (ع) و یک روایت از امام سجاد (ع)، آن هم نه به نقل از مجاهد، بلکه از غیر او نقل شده است (نک. زرین کلاه، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۹۹).

۶-۱۳- دیدگاه‌های کلامی در تفسیر مجاهد

ریشه بسیاری از آرای کلامی را که بعدها موجب مباحث جنجال برانگیز میان فرق مختلف کلامی شد می‌توان در اشارات مختصر تفاسیر کهن جستجو کرد. رؤیت خدا همواره از چالش برانگیزترین مسائل کلامی بوده است. نظر مجاهد مبنی بر عدم رؤیت (طبری، ۱۳۵۸، ج ۲۹، ص ۱۲۰)، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین دیدگاه‌های عقلانی مشهور است؛ ولی در این تفسیر، ذیل هیچیک از آیات مربوط (مانند آیات: الاعراف: ۷/۱۴۷؛ البقره: ۲/۵۵؛ النساء: ۴/۱۵۳؛ آل

^۱ علامه طباطبایی می‌گوید: اساس این روایت تشبیه است که براهین عقلی و همچنین قرآن عزیز آن را رد می‌کند و به همین جهت، یا باید آنها را دور انداخت و یا تأویل کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۸۹).

عمران: ۷۷ / ۳)، دیدگاه مجاهد ذکر نشده؛ اما دیدگاه مقابل آن - رؤیت خدا - از حسن بصری ذیل آیه ۲۳ از سوره قیامت و ۱۵ از سوره مطفقین، نقل شده است. در زمینه عصمت هم روایاتی از مجاهد نقل شده که می‌تواند موهم اعتقاد او به عدم عصمت انبیاء باشد.^۱ به عنوان مثال در تفسیر آیه ﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرًا﴾ (الانشراح: ۹۴ / ۲) می‌گوید: «ذَنْبِكَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ». که اشاره به این ادعا دارد که پیامبر (ص) قبل از بعثت گناهای انجام داده است. بیان مقام شفاعت پیامبر (ص) (الاسراء: ۱۷ / ۷۹)، پدر بودن پیامبر (ص) برای مؤمنان (الاحزاب: ۳۳ / ۶) و... نمونه‌ای از عقاید کلامی مجاهد در مورد پیامبر است. از دیگر مباحث کلامی که در روایات این تفسیر به آن پرداخته شده، مباحث مربوط به قیامت و رستخیز می‌باشد. مثلاً، در مورد برزخ می‌گوید برزخ عالمی است که حایل بین مرگ و بازگشت به دنیا است (المؤمنون: ۲۳ / ۱۰۰) (برای موارد بیشتر نک: زرین کلاه، صص ۱۰۷-۱۱۲).

۷- مبانی تفسیر مجاهد

مبانی تفسیر به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها، به تفسیر قرآن می‌پردازد. به عبارت دیگر، هر مفسری ناگزیر است مبناي خود را در مورد عناصر اساسی دخیل در فرآیند تفسیر قرآن، روشن سازد (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۰). معمولاً، مبانی یک تفسیر در مقدمه آن تفسیر و یا در کتاب‌هایی که به طور مستقل توسط مفسر تألیف می‌شوند، آورده می‌شود؛ اما در مورد تفاسیر کهن مانند تفسیر مجاهد، بحث مقدماتی که مبانی آن ذکر شده باشد، نداریم. اگر بحث از مبانی این تفسیر را در آخر آوردیم به این دلیل است که این تفسیر را شخص مجاهد تألیف نکرده است که مبانی خود را آورده باشد، بلکه آدم بن ابی ایاس روایات تفسیری او را که ابن ابی نجیح روایت کرده، گردآوری نموده است.

بنابراین، برای به دست آوردن مبانی وی، باید به گونه‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر وی پرداخت تا به این وسیله بتوان مبانی وی را استخراج کرد. به عنوان مثال، از بحث گونه‌شناسی روایات تفسیر مجاهد - بررسی متن - این نتیجه حاصل شد که وی معتقد به وجود واژگان بیگانه در قرآن، وجوه و نظایر است. در بحث تأویل، وی معتقد به وجود مجاز در قرآن بوده است. مجاهد همچنین معتقد به نسخ برخی از آیات قرآن است؛ اما در روایات تفسیری وی،

^۱ البته مجاهد بر این مطلب تصریح نکرده است، بلکه از مفهوم چند روایت می‌توان به آن پی برد.

اشاره‌ای به انواع نسخ نشده است. در بحث محکم و متشابه، محکم را آن دسته از آیاتی می‌داند که آنچه از حلال و حرام در آن است، محکم شده باشد و متشابه آن است که بعضی از آن برخی دیگر را تصدیق می‌کند. از ابزارهایی که در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده می‌توان استنتاج کرد که وی معتقد به تفسیر قرآن به قرآن و همچنین تفسیر اجتهادی است که تمثیل و ضرب المثل نمونه‌هایی از آن است. برای هر یک از این موارد، در بحث بررسی متن، مثال‌هایی ذیل مباحث مربوطه (اختلاف قرائت، محکم و مشابه، ناسخ و منسوخ...) ذکر شد.

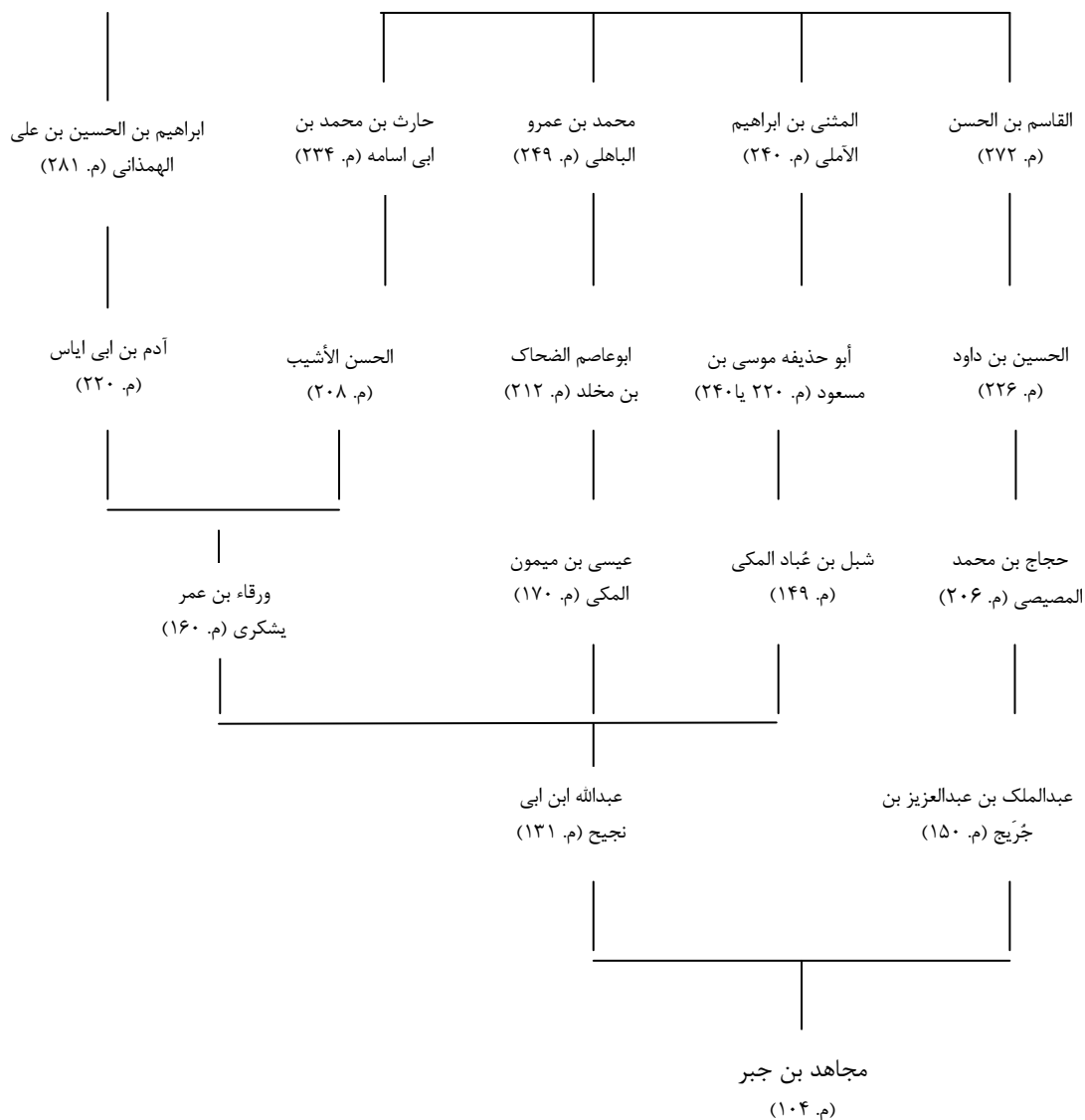
نتیجه‌گیری

تفسیر مجاهد کهن‌ترین تفسیر روایی موجود است. بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که این نسخه کاملاً، اصیل بوده و از هیچ تفسیر دیگری خصوصاً، تفسیر طبری رونویسی نشده است. با بررسی روایات این تفسیر، این نتیجه حاصل شد که در روایات آن، به وجوه مختلفی از تفسیر قرآن، از جمله بیان اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، داستان تاریخی و... پرداخته شده است. تبیین لغوی واژگان قرآنی بیشترین روایات را به خود اختصاص داده است، تا آنجا که تفسیر مجاهد را علاوه بر یک منبع روایی، یک تفسیر لغوی هم می‌نامند. نخستین نشانه‌های وجوه و نظایر، اعتقاد به مجاز در قرآن، واژگان معرب و... را می‌توان در این تفسیر مشاهده کرد. با وجود اینکه این تفسیر با عنوان «تفسیر مجاهد» نام گرفته، اما از مجموع ۲۱۳۰ روایت آن، ۳۹۹ روایت آن از دیگر افراد یعنی پیامبر اکرم (ص)، ائمه (ع)، صحابه و تابعین نقل شده که آدم بن ابی ایاس، مدون تفسیر، به آن افزوده است. در این تفسیر از مجاهد در مجموع، شش روایت از پیامبر، یک روایت از امام علی(ع) و نه حدیث از صحابه، ذکر شده است.

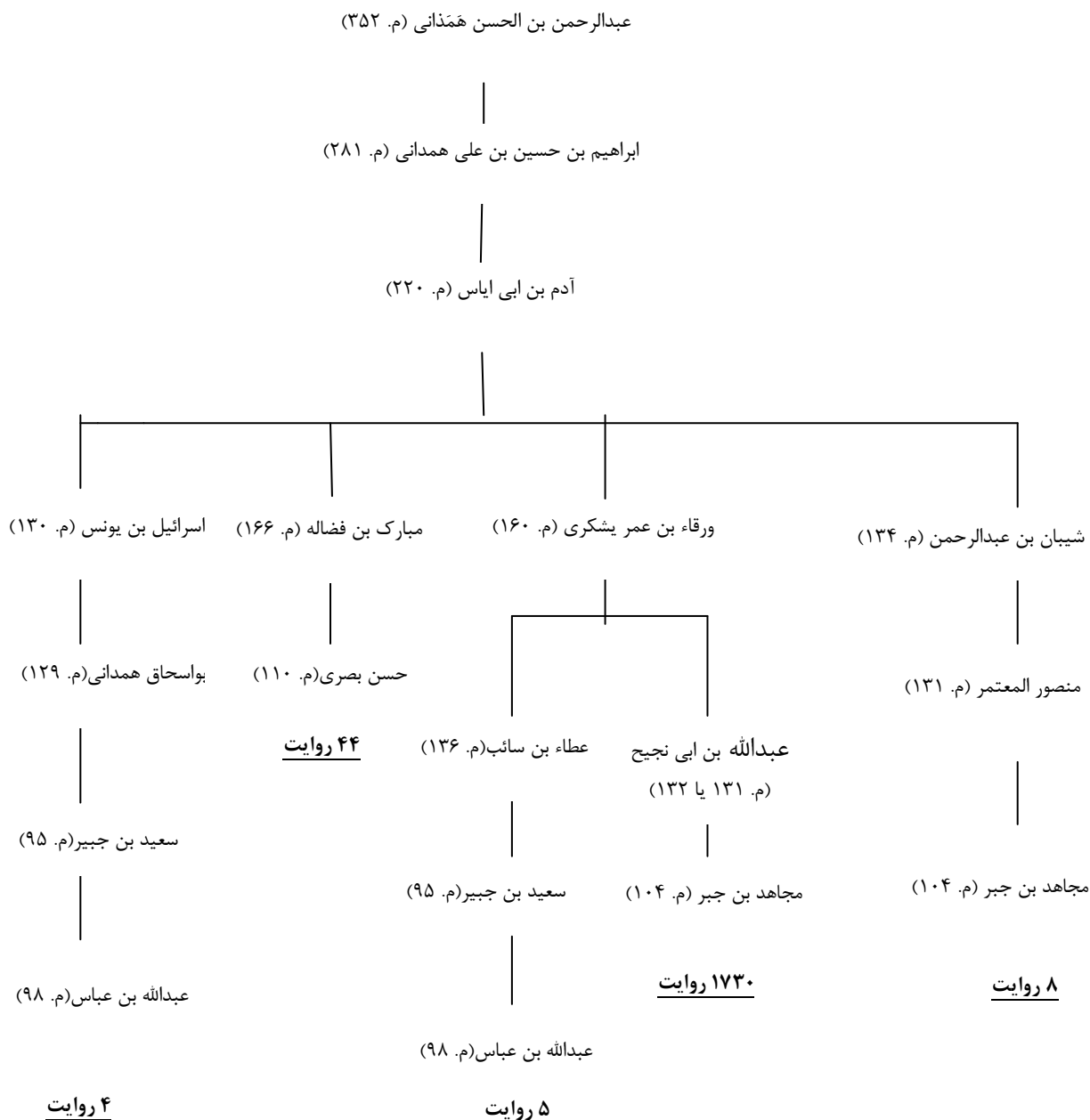
نمودار ۱: طرق نقل تفسیر مجاهد در جامع البیان

ابوعلی الحسن بن احمد بن ابراهیم بن حسن بن محمد بن شاذان (م. ۴۲۴)

محمد بن جریر الطبری (م. ۳۱۱)



نمودار ۲: اسانید بیشترین روایات نسخه مستقل تفسیر مجاهد



نمودار ۳. روایات مباحث مختلف در تفسیر مجاهد

تعداد روایت از مجاهد	تعداد روایت از غیر مجاهد	مباحث
حدوداً ۱۱۰۰	حدوداً ۱۵۰	بیان معنا
۵۱	۱۰	اسباب نزول
۲	۴	اختلاف قرائت
۲	۲	ناسخ و منسوخ
۷	۵	واژگان معرب
-----	۳	حروف مقطعه
۱	۱۹	تفسیر قرآن با حدیث نبوی
۱	۱۹	تفسیر قرآن با حدیث ائمه
۱۰	۱۶۲	تفسیر قرآن با حدیث صحابه
---	۱۸۳	تفسیر قرآن با حدیث تابعین

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان؛ کتاب المصاحف؛ قاهره: القاروق الحديثة للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ ق.
۲. ابن تیمیہ، تقی الدین احمد بن احمد بن عبدالحلیم؛ مقدمة فی اصول التفسیر؛ بیروت: دارالمکتبة الحیاء، بی تا.
۳. ابن حبان، محمد؛ التفات؛ حیدرآباد دکن هند: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری؛ ج ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۵. —؛ تهذیب التهذیب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ تحقیق: رضا تجدد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۷. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة؛ تحقیق: هاشم محلاتی، قم: مطبعة العلمية، ۱۳۸۱ ش.
۸. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ ج ۳، دار الاضواء، بیروت: ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۹. بابایی، علی اکبر؛ مکاتب تفسیری؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. باجی، سلیمان بن خلف؛ التعديل و التجريخ؛ مراکش: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد؛ الكشف و البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: داراحیاء التراث العربیة، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ کشف الظنون؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد؛ شواهد التنزیل؛ تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. زرین کلاه، الهام؛ «تفسیر مجاهد و روش شناسی آن»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. رومی، فهد بن عبدالرحمن؛ بحوث فی اصول التفسیر و منهجه؛ ریاض: مکتبة التوبة، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. زرقانی، محمد بن عبدالعظیم؛ مناهل العرفان؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. سزگین، فؤاد؛ تاریخ نگارش های عربی؛ ترجمه: مؤسسه نشر فهرستگان، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. شاکر، محمد کاظم؛ مبانی و روش های تفسیری؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. شهیدی صالحی، عبدالحسین؛ تفسیر و تفاسیر شیعه؛ قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. —؛ «تفسیر مجاهد، کهن ترین تفسیر»؛ مجله بینات، شماره ۱۴، سال چهارم، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ المنتخب من ذیل المدیل؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۸ ق.
۲۳. مجاهد؛ تفسیر مجاهد؛ تحقیق: عبدالرحمن طاهر بن سورق، اسلام آباد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۶۷ ق.
۲۴. مدیر شانه چی، کاظم؛ درایة الحدیث؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.

۲۵. نیلساز، نصرت؛ «تحلیل دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس»؛ رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶ ش.

۲۶. —؛ «تحلیل آرای برخی خاورشناسان درباره اللغات فی القرآن»، مطالعات اسلامی، شماره ۸۲، ۱۳۸۸ ش.

۲۷. — و زرین کلاه، الهام؛ «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره گونه‌شناسی و سیر تاریخی تطور تفاسیر کهن با تکیه بر تفسیر مجاهد»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۱، ۱۳۹۱ ش.

24. Rippin, Andrew, *The Quran: Formative Interpretation*, Great Britain, Athenaem Press, 1999.

25. Leemhuis, Fred, "Origins and Early Development of the tafsir Tradition", In: *Approaches to the History of the Interpretation of the Quran*, Edited by: Andrew Rippin, Great Britain, Clarendon Press, 1988.

